




Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.86877.1398>

Analyzing the Impact of Spread of Terrorism in Iraq and Syrian Crises on World Peace and Security¹

Hadi Sharafi

Department of International Relations, Khorramshahr International Branch, Islamic Azad University, Khorramshahr, Iran

Fereydoun Akbarzadeh²

Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Hossein Karimifard

Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Shiva Jalalpour

Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Received: 14 February 2024 Revised: 6 June 2024 Accepted: 7 June 2024

Abstract

The Middle East is the center of crisis in the world. Multiple crises and conflicts in this region began in 2003 in the wake of the invasion of the United States of America to Iraq, followed by the escalation of protest movements in the Arab world, including the Syrian crisis. Meanwhile, one of the major crises that this region has been engulfed in the last two decades is the rise of terrorist groups. By launching terrorist attacks and provoking instability, these groups have compromised the security of many countries in the world. The main question raised in this research is “What implications do the spread of terrorist groups have for global peace and security?” The results suggest that the rise of terrorist groups such as Al-Qaeda, the Islamic State of Iraq and Syria (ISIS), Jabhat al-Nusra, etc., have guided the defense policy of the Middle East countries towards amplifying their arms purchases, thereby fueling the rivalry of powers in this region. Furthermore, it has drawn in new members from other regions such as Europe and Central Asia. More importantly, as the foreign members of these groups began return to their home countries, it has ignited terrorist attacks in other Middle Eastern countries and some European countries such as England and Germany. This paper seeks to explore this issue using a descriptive-analytical method through the study of library resources.

Keywords: Iraq and Syria Crises, Middle East, world Peace and Security, Terrorist groups

1. The article is extracted from the doctoral thesis of the first author of the article at Khorramshahr International Branch, Islamic Azad University, Khorramshahr, Iran

2. Corresponding Author: Email: fereidunakbarzadeh@gmail.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

 <https://doi.org/10.22067/jgrd.2024.86877.1398>

مقاله پژوهشی

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، سال بیست و دوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۶

واکاوی تأثیر گسترش تروریسم در بحران‌های عراق و سوریه بر صلح و امنیت جهانی^۱

هادی شرفی (گروه روابط بین الملل، واحد بین المللی خرمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر، ایران)

sharafihadi0@gmail.com

فریدون اکبرزاده (گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، نویسنده مسئول)

fereidunakbarzadeh@gmail.com

حسین کریمی فرد (گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران)

hkarimifard@yahoo.com

شیوا جلال پور (گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران)

shiva_jalalpoor@yahoo.com

صص ۳۱۴ - ۲۸۵

چکیده

منطقه خاورمیانه مهم‌ترین منطقه بحران‌خیز در دنیا است. وجود بحران‌ها و منازعه‌های متعدد در این منطقه از سال ۲۰۰۳ بعد از حملات ایالات متحده آمریکا به عراق آغاز شد و پس از آن نیز با آغاز جنبش‌های اعتراضی در جهان عرب از جمله بحران سوریه به اوج خود رسید. در این میان، یکی از مهم‌ترین بحران‌هایی که این منطقه در دو دهه گذشته با آن مواجه است، تشکیل گروه‌های تروریستی است. این گروه‌ها با انجام حملات تروریستی و ایجاد بی‌ثباتی، امنیت کشورهای مختلف در سطح جهان را به خطر انداخته‌اند. پرسش اصلی این پژوهش این است که مهم‌ترین تأثیرهای گسترش گروه‌های تروریستی بر صلح و امنیت جهانی چیست؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ایجاد و گسترش گروه‌های تروریستی مانند القاعده، دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، جبهه النصره و ... از یک طرف منجر به سوق یافتن سیاست دفاعی کشورهای خاورمیانه به سوی افزایش خریدهای تسلیحاتی شده و رقابت

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول مقاله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین المللی خرمشهر است.

قطب‌های قدرت در این منطقه را افزایش داده است؛ از سوی دیگر، منجر به جذب اعضای جدید از سایر مناطق مانند اروپا و آسیای مرکزی شده و در نهایت به دلیل بازگشت اعضای خارجی این گروه‌ها به کشورهای موطن خود منجر به افزایش حملات تروریستی در دیگر کشورهای خاورمیانه و برخی از کشورهای اروپایی مانند انگلیس و آلمان شده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای این موضوع را مطالعه کرده است.

واژگان کلیدی: بحران‌های عراق و سوریه، خاورمیانه، صلح و امنیت جهانی، گروه‌های تروریستی

۱. مقدمه

تروریسم از مهم‌ترین تهدیداتی است که صلح و امنیت بین‌المللی با آن مواجه است. تروریسم را می‌توان به عنوان بازیگری ژئوپلیتیکی ارزیابی کرد که توانسته به تدریج دامنه نفوذ خود را افزایش دهد و حتی پیروان جدیدی را از مناطق مختلف جهان به سوی خود جذب کند. طی سال‌های بعد از ۲۰۰۳ فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در مسائل امنیتی خاورمیانه و جهان به موضوع بسیار مهمی مبدل شد (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۷). سابقه مربوط به گروه‌های تروریستی در منطقه خاورمیانه نشان می‌دهد که مذهب، فرهنگ‌های مبدأ و عوامل محیطی نقش اصلی را در ظهور این گروه‌ها از این منطقه در سراسر جهان دارند. در واقع تروریسم از سوی این گروه‌ها از خشونت و تهدید برای ایجاد ترس و ارباب مردم و دولت‌ها برای تعقیب اهداف مذهبی، سیاسی و ایدئولوژیک خود استفاده می‌کنند (بن ادت، ۲۰۲۲). هدف اصلی در این پژوهش، بررسی مهم‌ترین تأثیرهای گسترش تروریسم به دلیل بحران‌های عراق و سوریه بر امنیت جهانی است. خاورمیانه در حال حاضر بحرانی‌ترین منطقه در دنیا به شمار می‌رود که تنش، رقابت و منازعه در حوزه‌های داخلی و خارجی مهم‌ترین ویژگی‌های آن هستند.

یکی از مهم‌ترین بحران‌های این منطقه از جمله در عراق و سوریه در سال‌های بعد از ۲۰۰۳ که تأثیری بنیادی بر امنیت جهانی داشته است، برآمدن گروه‌های تروریستی همچون القاعده، جبهه‌النصره و داعش است. ریشه تشکیل این گروه‌ها به همراه فرایند گسترش آن‌ها به دوره بعد از سرنگونی دولت عراق و پس از آن جنگ داخلی سوریه از سال ۲۰۱۱ در پی فضا سازی‌های

خارجی در حمایت از آن‌ها برمی‌گردد (کاتزمن^۱، ۲۰۱۹، صص. ۱۰-۱۱). ضرورت پرداختن به این موضوع در این است که به نظر می‌رسد تروریسم در این منطقه بعد از سال ۲۰۰۳ و به‌ویژه در پی تحولات و آشفتگی‌های بعد از سال ۲۰۱۱ که تحولات سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی بسیاری را به‌همراه داشت، وارد فاز جهانی گردید. درحالی که تا سال ۲۰۰۳ تنها گروه القاعده عملیات تروریستی در ابعاد جهانی انجام می‌داد، اما بی‌ثباتی و هرج و مرج عراق و تحولات بعدی در سوریه باعث شد تا از درون این گروه انشعاب‌های مختلفی در منطقه خاورمیانه و سایر نقاط جهان با اعضای جدید شکل بگیرد. در درجه بعدی همچنین، عملیات تروریستی که در این دوره محدود به خاورمیانه و شمال آفریقا بود، بعد از این تحولات ابعاد جهانی بیشتری یافت و به عبارت دیگر امنیت در سطح جهانی را تحت تأثیر قرار داد. در واقع افزایش گروه‌های تروریستی باعث شد تا اعضای آن‌ها با پخش شدن در سراسر جهان، افزون بر تأثیر بر سازوکارهای امنیتی بین‌المللی حملات متعددی را نیز در مناطق مختلف ترتیب دادند که نتیجه آن مواجهه امنیت در سطح جهان با چالش‌ها و تهدیدهای مختلف بود.

۲. پیشینه تحقیق

به‌طور کلی آثار منتشره به موضوعات مختلفی در گسترش تروریسم به‌دلیل بحران‌های خاورمیانه امنیت جهانی اشاره دارند. مبینی و طالعی (۱۴۰۰) در مقاله «کودکان داعش و امنیت بین‌الملل» معتقدند که گروه تروریستی داعش با هدف بقاء و تداوم اهداف خود در آینده اقدام به جذب داوطلبانه و اجباری کودکان به‌عنوان حافظان ایدئولوژی خود کرده و می‌تواند آینده امنیت بین‌الملل را تهدید کند.

شریعی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «نشانیان پیدایش موج پنجم تروریسم بین‌المللی در غرب آسیا» معتقدند که موج جدیدی از تروریسم بین‌المللی با ماهیتی وابسته، مدرن، غیربومی، فراملی و شبه‌مذهبی و در عین حال متمایز از بنیادگرایی اسلامی در غرب آسیا ظهور کرده که تحقق آن، چشم‌انداز متفاوتی را بر تحولات نظام بین‌الملل به نمایش می‌گذارد.

بن‌ادت (۲۰۲۲) در مقاله «تروریسم: مطالعه موردی تهدید امنیتی جهانی بوکوحرام و ائتلاف

1. Katzman

داعش در نیجریه» به اتحاد دو گروه تروریستی بوکوحرام و داعش در آفریقا و پیامدهای آن بر تهدیدهای امنیتی جهانی را در وضعیت آنومیک در نیجریه و بی‌ثباتی بر اثر فروپاشی هنجارهای اجتماعی بررسی کرده است.

کوردمن^۱ (۲۰۲۰) در مقاله «توانایی‌های واقعی داعش در جهان: تهدید ادامه دارد» ضمن بررسی وضعیت داعش در عراق و سوریه معتقد است که به دلیل باقی ماندن تهدیدهای این گروه علیه امنیت جهانی، با وجود از بین رفتن حاکمیت آن، آمریکا همچنان باید حضور نظامی خود را در عراق و سوریه به عنوان بسترهای شکل‌گیری این گروه ادامه دهد.

اسپکارد و النبرگ^۲ (۲۰۲۰) در مقاله «داعش از درون؛ تاریخچه استخدام، انگیزه‌های پیوستن، سفر، تجربیات داعش و سرخوردگی اعضاء در طول زمان» تلاش کرده‌اند با مصاحبه عمیق با ۲۲۰ نفر از فراریان و کادرهای زندانی داعش در ترکیه، عراق، سوریه، بالکان، اروپا و آسیای مرکزی به بررسی ویژگی‌های جمعیتی و زمینه‌ای، نقش آن‌ها در حمله‌ها در سراسر جهان، انگیزه‌های پیوستن و سایر گونه‌های کیفی آن‌ها پرداخته‌اند.

با بررسی پیشینه تحقیق مشخص شد که آثار بیان‌شده درباره زمینه‌های گسترش و فراگیری گروه‌های تروریستی در پی بحران‌های عراق و سوریه به نکاتی اشاره کرده‌اند. همچنین تمرکز بیشتر آن‌ها بر زمینه‌های شکل‌گیری و روندهای طی شده از سوی برخی از این گروه‌ها و بیش از همه داعش است. برخی نیز با بررسی مهم‌ترین تحولات بین‌المللی چشم‌انداز ادامه فعالیت گروه‌های تروریستی را در بستر این تحولات مطالعه کرده‌اند. با این وجود بیش از همه موضوع تأثیر گروه‌های تروریستی بر موضوع‌های مختلف امنیت جهانی مغفول مانده است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با عنوان «واکاوی تأثیر گسترش تروریسم در بحران‌های عراق و سوریه بر امنیت جهانی» با روش کیفی توصیفی - تحلیلی انجام شده است. منابع استفاده‌شده در این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، فیش‌برداری است. متغیر مستقل «تروریسم» و متغیر وابسته «امنیت جهانی» است.

1. Cordesman

2. Speckhard & Ellenberg

۴. مبانی نظری تحقیق

امنیت جهانی از قدیمی‌ترین آرمان‌های بشری است و به دلیل اینکه بیش از هر چیز دیگر در معرض تهدید بوده است، همواره تلاش انسان‌ها به لحاظ نظری و عملی و راه‌حل‌های مقطعی برای رسیدن به آن بوده است. امنیت و صلح جهانی در واقع ایده‌ای برای پرهیز از خشونت است که ملل جهان با میل خویش برای رسیدن به آن همکاری می‌کنند. این ایده با تأسیس سازمان ملل برای حل و فصل مسائل بین دولت‌ها شکل گرفت و ماده اول منشور ملل متحد درباره حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نیز به همین موضوع اختصاص دارد (اوزگرسین^۱، ۲۰۰۴، ص. ۲). صلح و امنیت جهانی بیش از همه در حوزه روابط بین‌الملل دارای معنا و مفهوم است. از دیرباز مهم‌ترین هدف روابط بین‌الملل، حفظ و برقراری صلح و امنیت در جهان بوده و نظریه‌های روابط بین‌الملل تبیین‌های متفاوتی از آن ارائه داده‌اند. از جمله «واقع‌گرایی» در روابط بین‌الملل، دولت‌ها را دارای ماهیت عقلانی یکپارچه در محیط بی‌نظم بین‌المللی می‌داند که دارای ترجیحات متضاد و قابلیت نابرابر هستند (لگرو و موراوچیک^۲، ۱۹۹۹). این نظریه عنصر اصلی صلح و امنیت جهانی را کسب و حفظ قدرت، خودیاری و بقا می‌داند که تحقق آن‌ها در هر عصر و دوره‌ای با راهبرد خاص آن دوره امکان دارد. برای مثال در یک دوره امنیت از طریق صلح مسلح و هژمونی حاصل می‌شود. از این نظر اساساً تأمین امنیت در نظام خودیاری و آنارشیک تنها از طریق تلاش دائمی برای تقویت قدرت به‌ویژه قدرت نظامی امکان‌پذیر است و موازنه، بازدارندگی و دست‌یابی به قدرت هژمون ابزارهای اصلی آن هستند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲، ص. ۵۵). نواقح‌گرایی نیز گرچه بسیاری از مفروضه‌های واقع‌گرایی را پذیرفته است، اما اصل را ساختار نظام بین‌الملل می‌داند. از این منظر، ناامنی به دلیل پویایی نظام بین‌الملل اجتناب‌ناپذیر است. والتز معتقد است برای اینکه واحدها در وضعیت آنارشی، بتوانند به اهداف خود دست یابند و امنیت خود را حفظ کنند باید به امکانات تولیدشده خود و ترتیباتی که ایجاد می‌کنند تکیه کنند؛ خودیاری به‌ضرورت، اساس عمل در یک وضعیت آنارشیک است. موازنه قوا و جنگ نتیجه رقابت امنیتی در وضعیت آنارشیک است. از این رو، دولت‌ها همواره به دنبال افزایش قدرت برای

1. Ozgercin

2. Legro & Moravcik

تأمین امنیت خود هستند (قیصری، ۱۳۹۳، صص. ۳۳-۳۴). در نظریه «لیبرالیستی» روابط بین‌الملل امنیت جهانی مبتنی بر نظم منفعت‌محور و هماهنگی منافع داخل مرزهای ملی به عرصه بین‌الملل است. در نظم منفعت‌محور در اثر نهادینه شدن اصول و رفتار لیبرال در نهادهای ملی و بین‌المللی استقرار یافته و حفظ می‌شود. بنابراین این نظریه نظام بین‌الملل را در کنار توزیع قدرت، بر مبنای فرایندهای سیاسی مانند نهادهای بین‌المللی می‌بیند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶، ص. ۶۷). لیبرال‌ها برای امنیت جهانی راهکارهایی را در نظر گرفته‌اند. امانوئل کانت و جرمی بنتهام بر وجود نظم طبیعی در شالوده جامعه انسانی تأکید دارند. از نظر بنتام «بین منافع ملت‌ها در هیچ جا تضاد واقعی وجود ندارد». یک راهکار لیبرال‌ها برای گذار به امنیت جهانی، ایجاد تعادل طبیعی میان بازیگران و امنیت مبتنی بر نظم طبیعی است که هرگونه مداخله در چرخه نظم طبیعی را آسیب‌زننده بر امنیت بازیگران می‌داند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹، صص. ۹۶-۹۸).

در طرف دیگر در نظریه «هنجاری» که نماینده اصلی آن سازه‌انگاری است نیز سرچشمه امنیت و ناامنی در نحوه تفکر بازیگران درباره پدیده‌ها و موضوعات از جمله منافع و تهدیدها است. از این منظر امنیت جهانی بیش از عوامل مادی بر میزان فهم و درک مشترک بازیگران این عرصه مبتنی است (ونت، ۱۳۸۴، ص. ۳۳۷). «سازه‌انگاری» در بررسی امنیت جهانی بر هنجارمحوری و برخاستگی آن از مصالح، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک انسانی و اجتماعی در سطح بین‌المللی و جهانی تأکید دارد. از این نظر امنیت جهانی معلول ساختارهای هنجاری و انگاره‌ای مشترک بین‌دهنی است که از طریق رویه‌ها و رفتارهای متقابل کشورها خلق می‌شوند. کشورها می‌توانند با تغییر ساختار هنجاری و فرهنگ بین‌دهنی مشترک تکوین‌دهنده نظام بین‌الملل که باعث جنگ و منازعه می‌شود و جایگزین کردن آن با فرهنگ مسالمت‌آمیز، صلح و امنیت را بسازند و نظام بین‌الملل‌ها بزی را به یک جامعه جهانی کانتی تبدیل کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶، ص. ۸۴). در مجموع به نظر می‌رسد که هرکدام از نظریه‌های واقع‌گرا، لیبرال و سازه‌انگار روابط بین‌الملل با توجه به مفروضات اصلی خود، تبیین خاصی از صلح و امنیت جهانی ارائه می‌دهند.

۵. یافته‌های تحقیق

۵.۱. گسترش تروریسم در سطح بین‌المللی به دلیل بحران‌های عراق و سوریه

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تهدید علیه امنیت جهانی، گسترش تروریسم به صورت‌های فردی، گروهی، دولتی و جهانی است (کریمی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۸). با تغییرات برآمده از فرایند جهانی شدن و همچنین رشد گروه‌های بنیادگرا و خشونت‌گرا و نیز تکیه آن‌ها به امکانات جدید فناورانه و ارتباطی، با طرح مفهوم قدرت نامتقارن این برداشت مطرح شد که به‌رغم کوچکی و قدرت محدود این گروه‌ها از نظر عوامل قدرت متعارف، آن‌ها در عمل می‌توانند به تهدیدی جدی برای امنیت ملی کشورها و امنیت جهانی تبدیل شوند. ظهور القاعده و عملیات متعدد آن در دهه ۱۹۹۰ و نیز انجام عملیات ۱۱ سپتامبر، خطر تروریسم را بیش از پیش به بخشی از گفتمان امنیت ملی آمریکا تبدیل کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۶، صص. ۱۷۴-۱۷۵).

تشکیل و گسترش هسته‌های تروریستی در خاورمیانه از مهم‌ترین پیامدهای بحران عراق از سال ۲۰۰۳ است. سازمان القاعده در عراق که از ابتدای فروپاشی صدام در بین جامعه سنی و بازماندگان حزب بعث گسترش یافت، با انحلال ارتش و سازمان‌های نظامی این کشور گسترش بیشتری یافت. این گروه در ادامه با مشارکت بازماندگان حزب بعث و نفوذ در نیروهای مسلح به ناامنی در استان‌های سنی‌نشین دامن زد. گروه القاعده در ابتدا هدف خود را مقابله با نیروهای اشغالگر عنوان کرد، اما در ادامه ناامنی گسترده و بی‌ثبات‌سازی عراق در شرایط تأسیس دولت جدید را پی گرفت (سیمبر و مرادی کلارده، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۶). بن‌لادن رهبر جهانی سابق سازمان القاعده و الزرقاوی رهبر وقت القاعده عراق، مقاومت در عراق را به‌عنوان نبرد محوری در جنگ جهانی ائتلاف مسیحی - صهیونیستی علیه امت اسلام نام بردند. القاعده در سال ۲۰۰۶ - ۲۰۰۵ مجموعه‌ای از نظامیان خارجی، سربازان عراقی و مردم غیرنظامی را آماج حمله‌های خود کرده است.

طبق آمار ارائه‌شده در سایت مؤسسه شمارش اجساد عراق^۱، این کشور در سال ۲۰۰۶ با بیشترین تلفات غیرنظامی برآمده از حمله‌های گروه‌های تروریستی روبه‌رو بوده است (مؤسسه شمارش اجساد عراق، ۲۰۱۲، ص. ۱). در سال ۲۰۰۶ با هلاکت الزرقاوی رهبر القاعده، ارتش

1. Iraq Body Count

آمریکا شروع به عضوگیری از قبایل سنی در استان الانبار و شورشیان سابق برای مقابله با القاعده در قالب «شوراهای بیداری» کرد مناطق اطراف آن کردند. در سپتامبر ۲۰۰۸، ارتش آمریکا مسئولیت امنیتی استان انبار را به پلیس عراق سپرد و اولین گام را برای خروج از این کشور برداشت. در ۳۰ نوامبر ۲۰۰۹، خروج نیروهای آمریکایی از بغداد و سایر شهرهای عراق براساس توافق دو کشور آغاز شد و در نهایت تا ۱۸ دسامبر ۲۰۱۱ نیروهای اشغالگر خاک عراق را ترک کردند (پروژه مبارزه با افراط‌گرایی^۱، ۲۰۲۲، صص. ۸-۱۰). با خروج نیروهای خارجی، نیروهای القاعده در عراق جان تازه‌ای گرفتند و با خارج ساختن کنترل بخش‌هایی از کشور از دست دولت مرکزی و اعلام دولت اسلامی عراق خواستار همکاری با قبایل عراق شدند. خلاصه امنیتی خروج نیروهای آمریکا و ضعف نیروهای امنیتی عراق به همراه آغاز بحران سوریه، سبب قدرت گرفتن این گروه و تغییر راهبرد آن‌ها به تشکیل «دولت اسلامی» شد. در این زمان، گروه‌های تروریستی در تلاش برای گسترش ارزش‌های تکفیری به عنوان هنجارهای دینی غالب در عراق و سوریه برآمدند. بحران سوریه از دو منظر موجب ایجاد فرصت برای گروه تروریستی دولت اسلامی در عراق شد. نخست سوریه با توجه به همسایگی با عراق فضای عملیاتی مناسبی را برای افزایش قدرت و نقش‌آفرینی این گروه فراهم کرد. دوم با گسترش بحران و افزایش تنش‌های مذهبی در منطقه، منابع انسانی و مالی فراوانی را برای گروه دولت اسلامی فراهم کرد. این گروه در سال ۲۰۱۳ دیگر گروه تروریستی در سوریه یعنی جبهه‌النصره را امتداد دولت اسلامی عراق دانست و با ادغام دو گروه، دولت اسلامی در عراق و شام شکل گرفت. این دو گروه چندین عملیات مشترک را در عراق و سوریه انجام دادند اما به تدریج دامنه اختلافات آن‌ها افزایش یافت. اختلاف‌ها بر سر غنائم، طرز تفکر و شیوه عملکرد در میدان نبرد موجب شد که این سازمان از جانب همه گروه‌های فعال در سوریه متهم شود. با گسترش اختلاف‌ها، دولت اسلامی توانست با سرازیر شدن بیعت‌هایی از شاخه‌های دیگر القاعده و پشت سر گذاشتن گروه مادر، به موفقیت برسد (نجات، ۱۳۹۴، صص. ۵۳-۵۱).

دولت اسلامی از ژانویه تا ژوئن ۲۰۱۴ سه شهر مهم فلوجه، موصل و تکریت در عراق را تصرف و ضمن صدور بیانیه تشکیل خلافت اسلامی، ابوبکر البغدادی را خلیفه تعیین کرد. داعش

از این زمان، دست به وضع و اجرای قوانین، صدور گذرنامه، ضرب سکه، چاپ اسکناس و صدور نفت کرد و روزانه دو میلیون دلار از صدور نفت درآمد به دست آورد و سرزمینی به وسعت ۵۰۰ کیلومتر را تصرف کرد. خلیفه یک نماینده در شام و نماینده‌ای دیگر در عراق داشت که در مجموع الاماره را تشکیل می‌دادند و تصمیم‌های کلیدی گرفتند. این نمایندگان در مناطق تحت تصرف، ۱۲ حاکم منصوب کردند (۵ حاکم در سوریه و ۷ حاکم در عراق) (محمودی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۹). داعش با تثبیت موقعیت در عراق، ساختار نوینی را بر سه عنصر چابکی، انعطاف‌پذیری و تکیه نکردن به مرکزیت ایجاد کرد. حملات نظامی به مانورها و هجوم امنیتی تغییر یافت و با تلاش برای خودکفایی مالی، همزمان مصالحه با مناطق دارای اکثریت اهل تسنن در دستور قرار گرفت. استفاده از وسایل ارتباط الکترونیکی به دلیل سهولت نفوذ در آن محدود شد. کاهش تعداد ولایت‌ها از ۳۴ به ۱۴، کاهش تعداد دیوان‌ها از ۱۴ به ۵، توجه به تمرکززدایی در اجرای دستورها، خودکفایی مالی ولایت‌ها، کاهش حقوق نیروهای اجرایی و پشتیبان، کاهش تعداد عملیات انتحاری، لغو کارگاه‌های ساخت و توسعه سلاح شیمیایی و بیولوژیک از دیگر تغییرات این گروه بودند (امیری مقدم و همکاران، ۱۴۰۰، صص. ۶۲-۶۳). در این مدت داعش دست به جنایات بسیاری علیه شیعیان و اقلیت‌ها زد. دو بمب‌گذاری در ژوئیه ۲۰۱۶ در محله‌های شیعه‌نشین بغداد بیش از ۲۰۰ کشته برجا گذاشت. عفو بین‌الملل در سپتامبر ۲۰۱۴ گزارش داد که «داعش پاکسازی قومی را در مقیاسی تاریخی در شمال عراق انجام داده است.» در فوریه ۲۰۱۵ شبه‌نظامیان داعش، کتابخانه عمومی موصل شامل بیش از ۸۰۰۰ کتاب و نسخه خطی کمیاب را به آتش کشیدند. این گروه در مارس ۲۰۱۵ شهر آشوری نمود و شهر باستانی حترا را در شمال عراق با خاک یکسان کرد. از ژوئن تا سپتامبر ۲۰۱۴، داعش بیش از ۸۳۰ هزار نفر را در شمال عراق مجبور به کوچ اجباری کرد. شبه‌نظامیان این گروه در آگوست ۲۰۱۴ با حمله به ساکنان ایزدی در شمال سنجار، حدود ۵۰۰۰ مرد ایزدی را کشتند و هزاران زن و کودک را به اسارت گرفتند. در نتیجه حملات داعش حدود ۴۰۰ هزار ایزدی آواره شدند و برخی مسیحیان عراقی با تهدید مرگ مجبور به گرویدن به اسلام شدند. به این دلیل شمار مسیحیان عراق از ۱.۴ میلیون نفر در سال ۲۰۰۳ به حدود ۱۵۰ تا ۲۷۵ هزار نفر در سال ۲۰۱۶ کاهش یافت (پروژه مبارزه با افراط گرایی، ۲۰۲۲، صص. ۱۰-۱۴). از سوی دیگر در سوریه نیز فعالیت آشکار

نیروهای مسلح اسلام‌گرا از ویژگی‌های بارز بحران بوده است. رهبران این گروه‌ها نظام سیاسی حاکم بر سوریه را لائیک و منتسب به اقلیت علوی دانستند و جهاد علیه آن را هم به لحاظ سیاسی و هم مذهبی واجب شرعی شمردند. برخی از مهم‌ترین گروه‌های جهادی - تکفیری در سوریه شامل جبهه‌النصره، داعش، احرارالشام، جیش الاسلام (ترکیبی از احرارالشام، لواء الحق، حرکه الفجر الاسلامیه، جماعه الطلیعه الاسلامیه، انصار الشام، کتیبه مصعب بن عمیر، جیش التوحید، صفورالاسلام، کتائب الایمان المقاتله، سرايا المهام الخاصه و کتیبه حمزه بن عبدالمطلب)، جیش الفتح و جبهه اسلامی است مجموعه اقدام‌های این گروه‌ها در سوریه، زمینه را برای گسترش جنگ طایفه‌ای، مذهبی و تسری آن به فراسوی مرزها فراهم کرد (نجات، ۱۳۹۶، صص. ۷۵-۸۱).

در بین گروه‌های تروریستی که در یک دهه اخیر در سوریه فعال بوده‌اند، جبهه‌النصره به دلیل مانایی آن از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. هرچند این گروه بیشتر در سوریه فعال بوده است، اما ریشه در تحولات عراق دارد. در ابتدای دهه ۲۰۰۰، ابو محمد الجولانی رهبر جبهه‌النصره در زندان آمریکایی کمپ بوکا در عراق زندانی بود. پس از آزادی در سال ۲۰۰۸، جولانی در کنار ابوبکر البغدادی که او هم در بوکا زندانی شده بود، فعالیت خود را با القاعده در عراق از سر گرفت. در سال ۲۰۱۱، بغدادی، جولانی و دیگر مبارزان القاعده را به سوریه فرستاد تا از خلأ قدرت برآمده از جنگ داخلی استفاده کنند. جبهه‌النصره به رهبری جولانی در یک ویدئو در ژانویه ۲۰۱۲ موجودیت خود را اعلام کرد. در آوریل ۲۰۱۳، پس از اینکه بغدادی به‌طور یک‌جانبه ادعا کرد که جبهه‌النصره به گروه دولت اسلامی در عراق پیوسته است، جولانی روابط خود را با داعش قطع کرد و بر وفاداری خود به مرکز القاعده تأکید کرد (پروژه مبارزه با افراط گرایی، ۲۰۲۲، ص. ۳).

جولانی در ۲۸ ژوئیه ۲۰۱۶ بنابر دلایلی از جمله فشارهای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، توافق روسیه و آمریکا درباره مباران پایگاه‌های داعش و النصره در سوریه و شناخت و درک صحیح رهبران النصره از شرایط و تحولات میدانی نبرد داخلی، جدایی جبهه‌النصره را به‌طور رسمی از القاعده اعلام کرد. به دنبال این امر جبهه‌النصره نام خود را به جبهه فتح الشام و پرچم خود را نیز به پرچمی سفید تغییر داد. درباره جدایی جبهه‌النصره از القاعده باید گفت که این

جدایی به صورت ایدئولوژیکی نبود. زیرا تفکرها و عقاید جهادی - تکفیری جبهه‌النصره و القاعده تفاوت قابل توجهی با یکدیگر ندارند. بلکه این جدایی با هدف در امان ماندن از حملات روسیه و آمریکا و کسب حمایت بیشتر بازیگران منطقه‌ای صورت گرفت. در ژانویه ۲۰۱۷، به دلیل افزایش حمله‌های هوایی آمریکا علیه جبهه فتح‌الشام، تنش‌ها در میان گروه‌های مخالف سوریه افزایش یافت. این حمله‌ها بخشی از تلاش برای منصرف کردن گروه‌های مخالف در ادلب از ادغام با فتح‌الشام بود. با این حال، خشونت میان اپوزیسیون زمانی تشدید شد که فتح‌الشام شروع به حمله به گروه‌های شبه‌نظامی در استان‌های حلب و ادلب کرد و نمایندگانی را برای گفت‌وگوهای صلح با رژیم اسد در قزاقستان فرستادند. در نتیجه این حملات، جیش‌المجاهدین در حلب و جیش‌الاسلام در ادلب با احرار الشام ادغام شدند. به دنبال این ادغام‌ها، احرار الشام اعلام کرد که هرگونه حمله به جناح‌های جدید این گروه «اعلان جنگ» تلقی می‌شود. به دنبال این حملات، فتح‌الشام به‌عنوان «حیات تحریر الشام» تغییر نام داد. این سازمان با گروه‌های مخالف سنی مانند جیش‌الاحرار به رهبری شیخ هاشم الشام ادغام شد. در پی این ادغام، سمت ابومحمد الجولانی از رهبری این گروه، به فرمانده ارشد نظامی هیئت تحریر الشام تغییر کرد. مدتی بعد در اکتبر ۲۰۱۷، هاشم الشام از رهبری این گروه استعفا داد و دوباره الجولانی به ریاست این گروه رسید (نجات، ۱۳۹۶، ص. ۸۳).

در سال ۲۰۱۷ اختلاف بین هیئت تحریر الشام با رهبری القاعده بر سر انحراف‌های هیئت از ایدئولوژی اصلی جهادی و تمرکز بر ابعاد ناسیونالیستی جهاد و روابط با ترکیه شدت گرفت. در فوریه ۲۰۱۸، چندین واحد رزمی و شخصیت‌های وفادار به القاعده از هیئت تحریر الشام جدا شدند و در ادغام با بقایای احرار الشام، گروهی با عنوان حراس‌الدین را تشکیل دادند. در این دوره، هیئت سعی کرد تا در مقابل مواضع تند و پیوندهای پایدار حراس‌الدین با القاعده، خود را یک گروه معتدل برای افزایش جایگاه خود در مناطق تحت کنترل خود نشان دهد. در سال ۲۰۱۷، هیئت تحریر الشام و چندین گروه متحد نقش مهمی را در ایجاد دولت نجات ملی سوریه برای تحکیم قدرت خود در مناطق تحت کنترل ایفا کردند. این دولت که در استان ادلب و مناطق روستایی اطراف حلب مستقر شد، با هدف تثبیت اقتدار خود در بین شورشیان و جلوگیری از استفاده دولت اسد از اختلافات میان مخالفان، با رقابت با دولت موقت میانه‌رو سوریه که با

ارتش آزاد سوریه بود مخالفت کرد. در طول سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، هیئت تحریرالاشام عملیات تهاجمی را علیه جبهه ملی برای آزادی که ائتلاف تحت حمایت ترکیه متشکل از یازده گروه شورشی در شمال غرب سوریه بود، صورت داد و توانست مناطق تحت تصرف این گروه را به اشغال خود درآورد. هیئت تحریرالاشام در طول دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۷ توانست با تقویت هژمونی نظامی و سیاسی خود در ادلب و مناطق اطراف آن، با شکست گروه‌های احرار الشام و حراس الدین، مهم‌ترین رقبای خود در ادلب، نهادهای حکومتی کلیدی را در این استان تأسیس کند. از ژوئن ۲۰۲۱، ناظران تخمین می‌زنند که هیئت تحریرالاشام نه تنها قدرتمندترین گروه در استان ادلب است، بلکه قدرتمندترین گروه مخالف غیردولتی در سوریه است (مرکز امنیت و همکاری بین‌المللی^۱، ۲۰۲۱، صص ۷-۸). به‌طور کلی تروریسم در منطقه خاورمیانه به‌ویژه در دو دهه گذشته افزایش چشم‌گیری یافته است. در جدول ۱ تحولات افزایش یافته تروریسم در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. روند آغاز تروریسم در خاورمیانه تا فروپاشی داعش در سال ۲۰۱۸ م

مأخذ: یافته‌های پژوهش

سال (میلادی)	تحولات افزایش یافته تروریسم
۲۰۰۳-۲۰۰۴	سقوط دولت بعثی در عراق و تشکیل هسته‌های اولیه تروریسم و القاعده عراق
۲۰۰۵-۲۰۰۶	قدرت‌گیری دولت به رهبری شیعیان در عراق، افزایش حملات تروریستی در عراق، مرگ ابومصعب الزرقاوی رهبر القاعده عراق
۲۰۰۷-۲۰۰۸	درگیری‌های فرقه‌ای در عراق و افزایش حملات تروریستی در جهت ایجاد چالش بین شیعه و سنی
۲۰۰۹-۲۰۱۱	تقسیم القاعده عراق به شاخه‌های مختلف از جمله گروه انصارالسنه و توحید و جهاد و افزایش حملات تروریستی بعد از خروج نیروهای آمریکایی از عراق
۲۰۱۱-۲۰۱۳	آغاز تحولات بیداری اسلامی و گسیل شدن بسیاری از تروریست‌ها از عراق به سوریه و تشکیل گروه‌های جبهه‌النصره و دولت اسلامی در این کشور

تحولات افزایش یافته تروریسم	سال (میلادی)
حملات برق‌آسای داعش به غرب و شمال غرب عراق، اشغال شهرهای موصل، تکریت و رمادی و ایجاد خلافت داعش در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴، تشکیل نیروی بسیج مردمی برای مقابله با داعش	۲۰۱۴
اوج‌گیری حضور داعش در عراق و سوریه به‌همراه سایر گروه‌های تروریستی، کشتن ۶۱۴۰ نفر در سال ۲۰۱۵ و ۹۱۵۰ نفر در عراق و سوریه، آزادسازی شهر کردنشین کوبانی، تشکیل ائتلاف ضد داعش از سوی آمریکا و متحدانش، ایجاد ائتلاف بین ایران - روسیه - سوریه و آغاز شکست‌های داعش	۲۰۱۵-۲۰۱۶
شکست‌های پی در پی داعش، از دست دادن شهرهای اشغالی، بازپس‌گیری منطقه البوکمال در مرز عراق و سوریه از سوی نیروهای عراقی در سال ۲۰۱۷ و بازپس‌گیری رقه در سوریه توسط نیروهای ارتش سوریه	۲۰۱۷-۲۰۱۸

۲.۵. تأثیرهای گسترش تروریسم در بحران‌های عراق و سوریه بر امنیت جهانی

چنانچه دیده می‌شود در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۱ گروه‌های تروریستی از مهم‌ترین بحران‌های خاورمیانه از جمله عراق و سوریه است که به نظر می‌رسد در موضوع‌های زیر امنیت و صلح جهانی را با تهدید مواجه کرده است.

۲.۵.۱. گسترش تروریسم با افزایش عضوگیری گروه‌های تروریستی از سراسر جهان

از سال ۲۰۰۳ و با تشکیل هسته‌های تروریستی در عراق تا بحران سال ۲۰۱۱ در سوریه، تعداد زیادی از کشورهای دیگر به این گروه‌ها پیوستند. این گروه‌ها در طول دو دهه اخیر افزون بر اعضای خاورمیانه‌ای از سایر منطقه نیز نیرو پذیرفتند. طبق گزارش سازمان ملل در مارس ۲۰۲۲ تعداد جنگجویان خارجی در عراق و سوریه را بین ۲۴۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ نفر تخمین زد. طبق این گزارش شکست خلافت داعش بهترین راه برای ریشه‌کن کردن آن نیست؛ بلکه این واقعیت که داعش در حال تبدیل به یک بدنه نظامی غیرمکانی است، آن را قادر می‌سازد تا با واقعیت‌های جدید سازگار شود و در شرایط نامطلوب قدرت خود را نشان دهد و همزمان حضور گسترده

جغرافیایی خود را نیز تثبیت کند (الحاج^۱، ۲۰۲۲، صص. ۱-۲). هرچند نمی‌توان آمار دقیقی از اعضای گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه به تفکیک ارائه کرد، اما برای نمونه تا دسامبر ۲۰۱۵ حدود ۳۰۰۰۰ جنگجو از حداقل ۸۵ کشور به داعش در عراق و سوریه پیوستند. جذب جنگجویان خارجی از سوی داعش یک پدیده جهانی بوده است که سرمایه انسانی مورد نیاز این سازمان را برای فعالیت در خارج از خاورمیانه فراهم کرده است. اگرچه شمار فراوانی از نیروهای داعش از خاورمیانه و جهان عرب بودند، اما تعداد زیادی از کشورهای غربی از جمله اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ایالات متحده، کانادا، استرالیا و نیوزلند نیز در آن عضو بوده‌اند. هزاران جنگجوی روسی و آسیای مرکزی و صدها تن از اندونزی و تاجیکستان نیز به آن پیوسته‌اند (دفتر ملی تحقیقات اقتصادی^۲، ۲۰۱۶، صص. ۴-۵).

Number of citizens/residents who've travelled to join ISIS in Syria and Iraq



شکل ۱. تعداد اعضای داعش از کشورهای مختلف

مأخذ: فوسکو و دبینسکی^۳، ۲۰۱۹، ص. ۴

1. Al-hajj
2. National Bureau of Economic Research
3. Fusco & Debinski

از جمله مهم‌ترین اعضای خارجی داعش اعضای اروپایی و چچنی آن بوده‌اند. از ابتدای بحران در سوریه برخی از جوانان مسلمان مقیم اروپا و اروپایی‌هایی که به تازگی به اسلام گرویده بودند، به گروه‌های جهادی پیوستند. براساس برآوردهای صورت‌گرفته اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۴ حدود ۲۰۰۰ شهروند اروپایی به گروه‌های جهادی ملحق شده‌اند، اما براساس سایر برآوردها این رقم تا ۵۰۰۰ نفر نیز رسید. بیشترین نفرها از فرانسه، انگلیس و آلمان به سوریه رفتند. همچنین افرادی از کشورهای دیگر اروپایی مانند بلژیک، هلند، دانمارک و ایرلند به گروه‌های جهادی ملحق شدند. با این حال در سال‌های بعد این هراس به وجود آمد که این افراد دیدگاه‌های رادیکال‌تری پیدا کرده و پس از بازگشت به کشور خود، با توجه به اینکه با کاربرد سلاح و تاکتیک‌های چریکی آشنایی بیشتری پیدا کرده‌اند، تهدیدی جدی متوجه امنیت داخلی کشورهای خود کنند. این امر واکنش‌هایی را در میان مقام‌های کشورهای اروپا برانگیخت و آنها نگرانی خود را از تهدید امنیتی بلندمدت جهادیون پس از بازگشت ابراز داشتند. در این باره ژیل دوکروشوف هماهنگ‌کننده ضد تروریسم اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۳ بیان کرد که برخی از افرادی که از نبرد سوریه بازگردند، حمله‌های تروریستی در اروپا انجام خواهند داد (ایزدی، ۱۳۹۳، صص. ۱۶۰-۱۶۱).

جنگجویان چچنی نیز براساس دشمنی با روسیه، گرایش‌های سلفی و همسویی با القاعده از پایگاه‌های آموزشی به سوریه و عراق اعزام شدند. این جنگجویان بیشتر به گروه تروریستی غیرقانونی امارت قفقاز در روسیه وابسته بوده‌اند. دوکو عمروف رهبر سابق امارت قفقاز در اوت ۲۰۱۱ گروه خود را در راستای اهداف سازمان جهانی القاعده معرفی کرد و اعلام کرد که این گروه جزء تجزیه‌ناپذیر امت اسلامی است. چچنی‌ها و داغستانی‌ها که در داعش حضور داشته‌اند، مهم‌ترین نیروهای پیشتاز آن به شمار می‌روند. اکثر نیروهای چچنی ساکن در اروپا در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ عازم میدان نبرد سوریه شدند. آن‌ها همچنین با تجربه‌ترین تروریست‌های حاضر در سوریه و عراق بوده‌اند که بیشتر به چهار گروه ارتش المهاجرین و الانصار، ارتش المهاجرین و الانصار امارت اسلامی قفقاز، جیش الخلافة الاسلامیه و جند الشام تقسیم می‌شوند. برخی از این گروه‌ها مستقل و بعضی دیگر وابسته به داعش یا جبهه‌النصره بوده‌اند. مهم‌ترین تحول در حضور چچنی‌ها در داعش در سال ۲۰۱۳ با پیوستن ابو عمر الشیشانی و گروهش انجام شد.

الشیثانی ابتدا فرمانده عملیات داعش در مناطق شمال سوریه شد و سپس به فرماندهی کل نیروهای داعش در سوریه منصوب شد (نجات، ۱۳۹۴، صص. ۱۵۵-۱۶۰).

افزون بر تأثیرگذاری‌های این گروه‌ها، چگونگی ارتباط و ویژگی‌های کشور با جریان‌های استخدام داعش دارای اهمیت است. یافته‌های پژوهشی با عنوان «چه چیزی جریان جنگجویان خارجی به داعش را توضیح می‌دهد؟» در سال ۲۰۱۶ م. نشان داد که این شرایط بد اقتصادی نیست که باعث مشارکت در داعش می‌شود؛ بلکه تعداد جنگجویان داعش از یک کشور خاص با سرانه تولید ناخالص داخلی آن کشور و جایگاه آن در شاخص توسعه انسانی همبستگی مثبت دارد. بسیاری از جنگجویان خارجی از کشورهایی با سطوح بالای توسعه اقتصادی، نابرابری کم درآمد و نهادهای سیاسی بسیار توسعه‌یافته سرچشمه می‌گیرند. عوامل دیگری که تعداد جنگجویان خارجی داعش را توضیح می‌دهد، اندازه جمعیت مسلمان یک کشور و همگن بودن آن است. ویژگی‌های سیاسی یک کشور با تعداد جنگجویان داعش که تولید می‌کند، ارتباطی ندارد (بنملک و کلور^۱، ۲۰۱۶، ص. ۱).

استخدام‌های خارجی در سازمان‌های تروریستی بیشتر از کشورهای مرفه، قومی و زبانی همگن است. این پژوهش با تکیه بر تحقیق‌های قبلی که نشان داده‌اند که استخدام با ایدئولوژی مذهبی و سیاسی انجام می‌شود، دریافته‌اند که هرچه کشور میزبان یکدست‌تر باشد، مهاجران مسلمان در روند همسان‌سازی مشکلات بیشتری دارند. بنابراین این انزوای اجتماعی باعث افراط‌گرایی شده و عرضه نیروهای بالقوه را افزایش می‌دهد. همچنین گرچه به صورت دقیق نمی‌توان علت پیوستن مردم به داعش را تعیین کرد، اما دشواری جذب در کشورهای همگن غربی و جذابیت داعش برای جوانان تأثیرپذیر از طریق دستگاه تبلیغاتی پیچیده و رسانه‌های اجتماعی از عوامل اصلی آن به شمار می‌روند (بنملک و کلور، ۲۰۱۶، صص. ۲-۳).

۲.۲.۵. گسترش حملات تروریستی در خاورمیانه

یکی از مهم‌ترین اثرهای برآمده از گسترش تروریسم در بحران‌های عراق و سوریه در سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۰۳، افزایش حمله‌های تروریستی در کشورهای همجوار در خاورمیانه است.

1. Benmelech & Klor

اردن یکی از مهم‌ترین کشورهایی است که در معرض گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه است. دولت اردن از ابتدای تحولات سوریه بیم آن داشت که حضور عناصر اسلام‌گرای مخالف حکومت، این کشور را در معرض اعتراض‌های سیاسی بهار عربی بگذارد. تروریسم از زمان حمله‌های سال ۲۰۰۵ به سه هتل در امان در زمره مهم‌ترین نگرانی‌های این کشور بوده است. در همین راستا از ابتدای بحران سوریه، دولت اردن پناهجویان بدون مجوزی را که وارد این کشور شده‌اند شناسایی و پناهجویان بدون مدارک را از نظر عضویت در گروه‌های افراطی اسلام‌گرا بررسی کرد. بعد از عضویت اردن در ائتلاف بین‌المللی مبارزه با تروریسم در سپتامبر ۲۰۱۴، گروه داعش در بیانیه‌ای اعلام کرد که از اعضای ائتلاف که در حمله‌های هوایی به مواضع این گروه مشارکت دارند، انتقام می‌گیرد. پس از آن، دولت اردن ۷۰ نفر از شهروندان خود را به دلیل ارتباط با گروه‌های رادیکال دستگیر کرد. این افراد از طریق اینترنت و به صورت شخصی با این گروه‌ها مرتبط بودند (سپاراگا، ۲۰۱۴، ص. ۱۴).

برخی دیگر از کشورهای این منطقه نیز هدف حمله‌های تروریستی داعش بوده‌اند که از جمله آن‌ها ترکیه است. در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ در بیرون مرکز فرهنگی آمارا در منطقه سوروج در استان شانلی اورفه ترکیه بمب‌گذاری از سوی داعش انجام شد که در آن ۳۲ نفر کشته و ۱۰۴ نفر زخمی شدند. در ۱۰ اکتبر دو بمب‌گذار انتحاری خود را در یک راهپیمایی صلح برای دموکراسی در ایستگاه مرکزی راه‌آهن آنکارا منفجر کردند که در جریان آن ۱۰۵ نفر کشته شدند. در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۶ یک مهاجم، انتحاری خود را در نزدیک مسجد کبود منفجر کرد که در آن ۱۰ نفر کشته شدند. در ۱۷ فوریه در انفجار یک بمب در نزدیک اتوبوس حامل نظامیان در نزدیکی مجلس ترکیه ۲۸ نفر کشته شدند. در ۱۹ مارس ۲۰۱۶ نیز در انفجاری انتحاری در خیابان استقلال ترکیه ۵ نفر کشته شدند. در ژوئن ۲۰۱۶ در تیراندازی عوامل داعش در فرودگاه بین‌المللی آتاتورک استانبول ۴۵ نفر کشته شدند (گروه بحران، ۲۰۱۹، ص. ۴). داعش در ۲۶ ژوئن سال ۲۰۱۵ یک مسجد شیعیان در کویت را هدف انفجار انتحاری قرار داد که در آن ۲۷ نفر کشته شدند. در حمله‌های داعش به منطقه ضاحیه در جنوب بیروت در سال ۲۰۱۵ ۴۵ نفر کشته شدند. این گروه

1. Szparaga
2. Crisis Group

همچنین در سال ۲۰۱۶ با حمله انتحاری به مسجد امام علی در شهرک قدیح در استان قطیف عربستان، ۲۲ نمازگزار را کشت. از سوی دیگر در حمله‌های نیروهای داعش به مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی در سال ۲۰۱۷-۱۷ نفر کشته و ۵۲ نفر زخمی شدند. همچنین در حمله نیروهای داعش در اکتبر ۲۰۲۲ به حرم شاهچراغ در شیراز ۱۵ نفر کشته شدند.

۵.۲.۳. افزایش حمله‌های تروریستی در اروپا و آفریقا

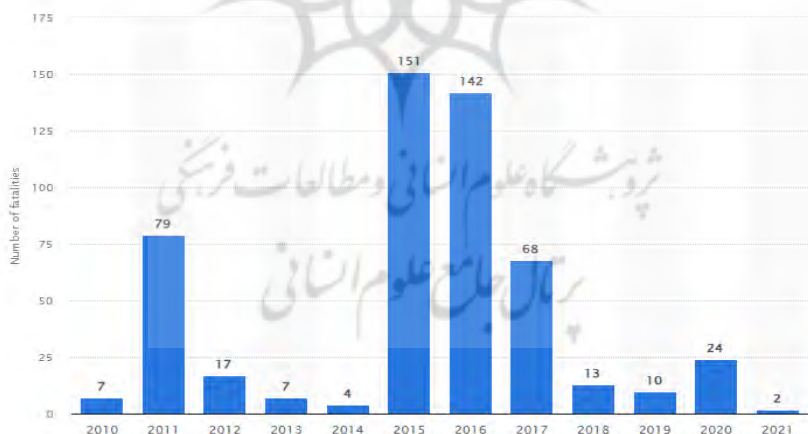
از زمان تشدید منازعات در خاورمیانه، حمله‌های تروریستی در شهرهای مختلف اروپا نظیر لندن، پاریس، برلین و بروکسل افزایش چشم‌گیری یافت که منجر به کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از افراد شد. تهدیدهای تروریستی به گونه‌ای افزایش یافت که رئیس اداره پلیس اتحادیه اروپا بیان کرد که تهدید تروریستی در اروپا به بالاترین سطح در یک دهه گذشته رسیده است. درباره منشأ تهدیدهای تروریستی در اروپا دو موضوع دارای اهمیت است. نخست ورود تروریست‌ها از طریق سیل مهاجران به کشورهای اروپایی. مسئله دوم بازگشت تروریست‌های اروپایی عضو داعش از خاورمیانه به کشورهای خود است (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۸۳). به‌طور کلی از زمان تشکیل گروه تروریستی داعش، نیروهای این گروه در کشورهای اروپایی بلژیک، فرانسه، آلمان، بریتانیا عملیات تروریستی انجام دادند که اولین آن‌ها به کشته شدن ۱۲ نفر در تیراندازی در محله شارلی ابدو در فرانسه بود و مهم‌ترین آن نیز در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ در پاریس واقع شد. در این حمله ۱۳۰ نفر کشته شدند. بیشتر این حمله‌ها از سوی اعضای اروپایی داعش که به کشور خود بازگشته بودند انجام شده است. از جمله در سال ۲۰۱۴ یک افراطی فرانسوی . الجزایری پس از گذراندن یک سال در زندان‌های فرانسه، به سوریه عزیمت کرد. او در بازگشت به اروپا به موزه یهودیان در بروکسل حمله کرد و موجب کشته شدن چهار نفر شد. پس از دستگیری مشخص شد که او عضو داعش بوده است. علاوه بر اعضای گروه‌های تروریستی، برخی از افراد نیز در اروپا تحت تأثیر افکار جهادی دست به اقدامات تروریستی زده‌اند. از نمونه‌های این امر می‌توان به اقدام برینگ بریویک^۱ تروریست دست راستی ضد مسلمان در نروژ در ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۱ که ۶۹ نفر را به قتل رساند و نیز اقدام محمد مراح اسلام‌گرای فرانسوی الجزایری تبار که در مارس ۲۰۱۲ هفت نفر نظامی و یهودی را در دو شهر تولوز و

1. Behring Breivik

مونتوبان در فرانسه به قتل رساند، اشاره کرد (ایزدی، ۱۳۹۳، صص. ۱۶۲-۱۶۳).

در همین زمینه پلیس اتحادیه اروپا هر ساله گزارش وضعیت حمله‌های تروریستی و دستگیری‌های مرتبط با تروریسم را در اتحادیه اروپا براساس اطلاعات ارائه‌شده از سوی کشورهای عضو ارائه می‌دهد. طبق گزارش سال ۲۰۲۲، در سال ۲۰۲۱، ۱۵ حادثه تروریستی در اتحادیه اروپا روی داد. همچنین در سال‌های ۲۰۲۱ - ۲۰۱۹، ۲۹ توطئه جهادی یا راست افراطی در سراسر اتحادیه خنثی شد و ۱۵۶۰ نفر به ظن جرایم تروریستی دستگیر شدند. در سال ۲۰۲۱، بیشترین جرم‌های منجر به دستگیری را عضویت در گروه تروریستی، برنامه‌ریزی یا تدارک حمله، تأمین مالی تروریسم، استخدام و تحریک به تروریسم تشکیل داده است. در همین سال فرانسه با ۵ مورد، بیشترین تعداد حمله‌های تروریستی را داشته و آلمان ۳، سوئد ۲، اتریش، دانمارک، مجارستان، بلژیک و اسپانیا هر کدام یک حمله را گزارش کردند. در نتیجه حمله‌های جهادی در سال ۲۰۲۱ دو نفر در اسپانیا و فرانسه کشته شدند (شورای اتحادیه اروپا، ۲۰۲۲، صص. ۳-۴).

در شکل ۲ تعداد تلفات حمله‌های تروریستی در اروپا در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ آمده است. بیشترین میزان تلفات نیز در سال‌های قدرت‌گیری داعش در خاورمیانه و تسلط این گروه تروریستی بر مناطقی ما بین موصل در عراق و رقه در سوریه رخ داده است.



شکل ۲. تعداد تلفات غیرنظامی از سوی داعش در عراق و سوریه در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۱ م

مأخذ: استاتیسنا، ۲۰۲۴

1. European Council of the European Union,
2. Statista

برخی از کشورهای آفریقایی و ایالات متحده آمریکا نیز زیر حملات گروه‌های تروریستی داعش قرار گرفته است. نیروهای داعش در دوم دسامبر ۲۰۱۵ در تیراندازی در برناردینو ۱۴ نفر را کشتند و ۱۸ نفر را مجروح کردند. همچنین در حمله ۱۲ ژوئن ۲۰۱۶ به یک باشگاه شبانه در شهر اورلاندو آمریکا ۴۹ نفر کشته شدند. در آفریقا نیز در سال ۲۰۱۴ در حمله به موزه ملی باردو در تونس ۲۴ نفر کشته شدند. در آوریل ۲۰۱۷ دو مهاجم انتحاری خود را در کلیسای ارتدوکس قطبی سنت مارک منفجر کردند که در نتیجه آن ۴۵ تن کشته شدند. در دوم می ۲۰۱۸ در پی حمله انتحاری اعضای داعش به کمیسیون عالی ملی انتخابات در طرابلس ۱۶ نفر کشته شدند. هسته اصلی فعالیت‌های تروریستی داعش در ساحل آفریقا متشکل از بورکینافاسو، کامرون، چاد، گامبیا، گینه، موریتانی، مالی، نیجر، نیجریه و سنگال بوده است. مرگ و میر به دلیل تروریسم در این کشورها از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۱ بیش از ۱۰۰۰ درصد افزایش یافته و حدود نیمی از کل مرگ و میر برخاسته از تروریسم در جهان در سال ۲۰۲۱ در جنوب صحرای آفریقا به ویژه در ساحل رخ داد (اودانل^۱، ۲۰۲۲، ص. ۶). در شکل ۳ تعداد حمله‌های تروریستی به بعضی از کشورهای آفریقایی آورده شده است.



شکل ۳. تعداد حملات تروریستی در بعضی از کشورهای آفریقایی از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۹

مأخذ: استاتیستا، ۲۰۲۰

1. O'Donnell
2. Statista

۵. ۲. ۴. سرازیر شدن سلاح به خاورمیانه

گسترش گروه‌های تروریستی در خاورمیانه از جمله در بحران سوریه به سرازیر شدن حجم گسترده‌ای از سلاح به منطقه منجر شده است. بخش زیادی از صادرات کل آمریکا، روسیه، چین و کشورهای اروپایی از فروش سلاح به کشورهای خاورمیانه است. جدول ۲ داده‌های مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم درباره سهم فروش‌های سلاح در صادرات کلی این دولت‌ها را در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد.

جدول ۲. سهم فروش‌های سلاح در صادرات کلی دولت‌ها

مأخذ: سیپری^۱، ۲۰۱۸، ص. ۵

کشورهای صادرکننده سلاح	درصد کل صادرات ۲۰۱۷
ایالات متحده آمریکا	۳۴
روسیه	۲۲
فرانسه	۶.۷
آلمان	۵.۸
چین	۵.۷
انگلیس	۴.۸
اسپانیا	۲.۹
اسرائیل	۲.۹
ایتالیا	۲.۵
هلند	۲.۱

طبق نظریه «نواقع گرایی»، خاورمیانه با محیط ژئوپلیتیک، موقعیت ژئواکونومیک و جغرافیای انسانی، از مناطق جذابی است که نقش محوری در نظام بین‌الملل دارد و میزان توجه قدرت‌های خارج از منطقه به آن بالا است (قاسمی و پورجم، ۱۳۹۴، ص. ۹۱). گسترش تروریسم در بحران سوریه، مهم‌ترین زمینه کسب درآمد از محموله‌های تسلیحاتی کوچک از جمله برای روسیه بوده است. در سال ۲۰۱۱ میزان صدور سلاح مسکو به دمشق به یک میلیارد دلار رسید و چهار میلیارد دلار قرارداد نظامی دیگر میان دو کشور منعقد شد. طبق بعضی ارزیابی‌ها نزدیک ۱۰ درصد

1. Sipri

فروش جهانی سلاح روسیه بعد از ۲۰۱۱ به سوریه اختصاص یافت (قاسمیان و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۵). روسیه از این طریق کوشید تا توازن قوا را در شرق مدیترانه به نفع خود تغییر دهد. به‌ویژه فروش سیستم موشکی اس ۴۰۰ نقش مهمی در تثبیت و بقای دولت اسد بالاخص در مقابل تلاش‌های ناتو و آمریکا برای اعمال مناطق پرواز ممنوع، مناطق امن و مسیرهای تدارکاتی برای تروریست‌ها ایفا کرد. ژنرال مارتین دمپسی رئیس ستاد ارتش آمریکا در سال ۲۰۱۳، اعلام کرد که آمریکا گزینه‌هایی برای جلوگیری از تحویل سلاح به سوری‌ها ندارد (کوهن^۱، ۲۰۱۳، ص. ۱۱). اقدام آمریکا در مسلح کردن گروه‌های معارض در سوریه و عراق را که بر مبنای راهبرد مدیریت بی‌ثباتی انجام شده است، می‌توان از مهم‌ترین تهدیدها علیه امنیت جهانی به شمار آورد. در این راهبرد با ایجاد سطح مشخص ناامنی کنترل‌شده، تحرک سیاسی هر بازیگر قابل مدیریت است. بروس رایدل^۲ کارشناس اندیشکده بروکینگز^۳ تصمیم دولت بوش را در حمله به عراق، سرآغاز تنش در منطقه دانست. نوام چامسکی^۴، متفکر آمریکایی، نیز سیاست آمریکا در عراق را منجر به شکل‌گیری داعش ارزیابی کرد. گره خوردن منافع قدرت‌های جهانی با بی‌ثباتی در خاورمیانه، تهدیدی مستقیم علیه امنیت جهانی است و خلأ امنیتی در این منطقه نیاز به حضور قدرت‌های جهانی را توجیه می‌کند (نجات، ۱۳۹۴، صص. ۶۷-۶۹). در آوریل ۲۰۱۸ و در هنگامه حمله ارتش سوریه به استان ادلب، واشنگتن تلاش کرد نیروهای خود را در آنجا حفظ کند؛ چراکه فتح این استان کنترل مجدد بشار اسد بر سوریه به غیر از مناطق کردی را در پی داشت و برای آمریکا که سال‌ها سلاح را برای گروه‌های مخالف ارسال می‌کرد شکست بود (قاسمیان و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۶).

۵.۲.۵. افزایش رقابت قطب‌های قدرت منطقه‌ای

از نظر الگوی روابط حاکم بر واحدها، الگوهای مختلف روابط تخاصمی در خاورمیانه وجود دارد که از جمله الگوی تعارضی بین ایران - اسرائیل، لبنان - اسرائیل، سوریه - اسرائیل و ایران - عربستان - ترکیه - اسرائیل است (قاسمی و پورجم، ۱۳۹۴، ص. ۹۲). در این راستا بحران‌های

1. Cohen
2. Bruce Riedel
3. Brookings Institute
4. Noam Chomsky

خاورمیانه از سال ۲۰۰۳ زمینه رقابت ژئوپلیتیک قطب‌های قدرت منطقه‌ای را فراهم کرده است. محوریت نفوذ ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران، حضور نظامی ترکیه در شمال عراق و سوریه از سال ۲۰۱۳، حمایت اقتصادی و ایدئولوژیکی عربستان و کشورهای عربی از طیف‌های مخالف صدام و حمایت علنی اسرائیل از گروه‌های تروریستی همگی در این راستا هستند (فروزان و عالیشاهی، ۱۳۹۸، صص. ۱۰۸-۱۰۹). این کشورها با تأکید بر اهدافی چون افزایش قدرت، تأثیر بر سایر واحدها و ایجاد بازدارندگی می‌کوشند از گروه‌های تروریستی به‌مثابه ابزار سیاست خارجی استفاده کنند یا مانند تهدید آن‌ها را از سر راه بردارند و به این ترتیب در چرخه گریزناپذیر حمایت یا نابودی این گروه‌ها قدم بردارند.

در این چهارچوب ناکامی عربستان، اسرائیل و ترکیه در جلوگیری از توسعه نفوذ ایران در خاورمیانه در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۵ موجب شد آن‌ها پس از خیزش‌های جهان عرب با تشدید فرقه‌گرایی و حمایت از تروریسم تکفیری در سوریه و داعش، در عراق به سمت ایجاد موازنه منطقه‌ای با هدف تحدید نفوذ منطقه‌ای ایران پیش روند (برزگر و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۳). گروهی مانند داعش با حجم بالای عملیات نظامی و انفجارهای تروریستی، بدون حمایت قدرت‌های خارجی قادر به ایفای این نقش نیست. در حاکمیت منطقه‌ای داعش بیش از همه نام عربستان سعودی، ترکیه و اسرائیل مطرح است. در اولین روزهای حمله داعش به عراق، رسانه‌های عراق مانند المسله از ورود ۱۴۰ نیروی اطلاعاتی عربستانی به موصل خبر دادند (امیری مقدم و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۶۲). حضور داعش در سوریه در ابعاد ژئوپلیتیک به نفع رژیم صهیونیستی ارزیابی می‌شود. هدف اصلی داعش نابودی سوریه و سرنگونی دولت قانونی آن بود تا از این طریق، یکی از بازیگران مهم جبهه مقاومت را که پل ارتباطی میان ایران و حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی است، قطع کند. شائل بن‌افرایم، تحلیل‌گر اسرائیلی در سال ۲۰۱۴ درباره همگرایی این بازیگران در حمایت از داعش گفت: «از داعش می‌توان در ایجاد نوعی موازنه قوا در منطقه استفاده کرد و قدرت ایران را که با سقوط صدام و به قدرت رسیدن دولت شیعی در این کشور و تقویت محور مقاومت، شامل حزب‌الله و حماس، گسترش یافت، تعدیل کند.» اسرائیل از ابتدا داعش را نه تهدید، بلکه فرصتی مهم برای مقابله با مقاومت برشمرد (رضایی و موسوی، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۹). نقش و جایگاه ترکیه نیز در حمایت از گروه‌های جهادی

همچون القاعده و داعش برجسته است. تحقیقی با عنوان «ارتباط ترکیه و داعش» که از سوی مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه کلمبیا در سال ۲۰۱۵ انجام شد، ضمن اشاره به عبور آزادانه تروریست‌های داعش از ترکیه به سوی عراق و ترکیه، از قول این تروریست‌ها از مرز ترکیه و سوریه با عنوان دروازه جهاد یاد کرده است (فیلیپس^۱، ۲۰۱۴، ص. ۸). ترکیه همچنین بعد از سال ۲۰۱۶، وقتی دو گروه احرار الشام و فیلق الشام در عملیات «سپر فرات ترکیه» شرکت کردند، حمایت و پشتیبانی مالی و نظامی از این گروه‌ها را افزایش داد. سه موج عملیات نظامی ترکیه در شمال سوریه در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ و حمایت قوی آن از گروه‌های سنی لشکر سلطان مراد، لشکر الحمزات و احرار الشریقه در ارتش ملی سوریه، باعث تشدید بیشتر بحران در سوریه شد. همچنین به دنبال همکاری بین آنکارا و گروه تروریستی، هیئت تحریر الشام، محقق معروف جهادی، ابوقتاده الفلستانی، از اردوغان تجلیل کرد و فتوایی صادر کرد که اشکال خاصی از تعامل با ترک‌ها را مشروعیت می‌بخشد (بوتوبکوف^۲، ۲۰۲۳). هرچند با طولانی شدن بحران سوریه و افزایش هزینه‌های حفظ موازنه قوای منطقه‌ای، ترکیه با تغییر سیاست منطقه‌ای خود از جمله در روندهای آستانه به سمت تعامل با روسیه و ایران پیش رفت، اما نمی‌توان حمایت‌های این کشور را از گروه‌های تروریستی نادیده گرفت.

۶. نتیجه‌گیری

منطقه خاورمیانه در طول دو دهه اخیر بر صلح و امنیت جهانی در ابعاد مختلف خود اثر گذاشته است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و افزایش فعالیت تروریستی در اقصی نقاط جهان است. این بحران‌ها با ایجاد بی‌ثباتی، هرج و مرج و اوج‌گیری علقه‌های قومی و مذهبی علاوه بر شکل‌دهی به این گروه‌ها، افراد مختلف از سراسر دنیا را به سوی این دو کشور و عضویت در این گروه‌ها کشاند. گروه‌های تروریستی از جمله القاعده در عراق بعد از سقوط صدام و ناتوانی نیروهای خارجی در تأمین امنیت این کشور به همراه ناکارآمدی دولت عراق توانست هسته‌های ترور را به‌ویژه در استان‌های سنی‌نشین این کشور گسترش داده و یکی از نقش‌های اصلی را در ایجاد بی‌ثباتی در عراق قبل و بعد از خروج آمریکا

1. Phillips
2. Botobekov

در سال ۲۰۱۱ ایفا کند. وقوع قیام‌های عربی از سال ۲۰۱۱، میدان عمل وسیع‌تری را از جمله در سوریه برای القاعده ایجاد کرد و این گروه توانست انشعاب‌های مختلفی را در عراق و سوریه همچون داعش، جبهه‌النصره و تحریرالشام تشکیل دهد. تلاقی این بحران با حمله‌های گروه داعش به عراق در سال ۲۰۱۴ که نتیجه آن در اختیار گرفتن یک سوم از خاک عراق و نیمی از سوریه بود، قدرت بیشتری به این گروه‌ها بخشید که امنیت و صلح جهانی را به مقابله می‌طلبید. در طول این سال‌ها با تبلیغات و گستردگی پیام این گروه‌ها، افراد مختلفی از کشورهای خاورمیانه، اروپا و آسیا به این گروه‌ها از جمله داعش و جبهه‌النصره پیوستند. این افراد با آشنایی با تاکتیک‌های ترور و خشونت در بازگشت به موطن خود دست به حمله‌های تروریستی متعددی در این سال‌ها زدند که تهدیدهای امنیتی برای کشورهای مختلف از خاورمیانه و آفریقا گرفته تا اروپا به شمار می‌آید. همچنین گسترش تروریسم موجب سرازیر شدن انواع تسلیحات برای مقابله با این گروه‌ها و حمایت از آن‌ها در این منطقه شد. به گونه‌ای که از سال ۲۰۱۱ و گسترش بحران در سوریه، روسیه و آمریکا محموله‌های مختلف سلاح را در اختیار طرف‌های بحران قرار داده‌اند. ایجاد رقابت بین قطب‌های مختلف قدرت در خاورمیانه در پیرامون این گروه‌ها، زمینه دیگر تهدید علیه صلح و امنیت جهانی را ایجاد کرده است. در واقع شکل‌گیری این گروه‌ها را می‌توان ابزار موازنه از سوی بازیگرانی همچون عربستان سعودی، اسرائیل و ترکیه برای مقابله با ایران به‌عنوان نیروهای اصلی مقابله با گروه‌های تروریستی نگرین. در جدول ۳ مهم‌ترین تأثیرگذاری‌های گروه‌های تروریستی بر امنیت جهانی به‌دلیل بحران‌های عراق و سوریه آمده است.

جدول ۳. مهم‌ترین پیامدهای گروه‌های تروریستی به دلیل بحران‌های عراق و سوریه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۱

تأثیرها	پیامدها	نتایج
گسترش حمله‌های تروریستی در خاورمیانه	افزایش عملیات تروریستی در ایران، اردن، ترکیه، کویت، عربستان و لبنان	افزایش سیاست‌های امنیتی و نظامی، گسترش دستگیری‌های داخلی، افزایش سطح تهدیدهای داعش و گسترش مشارکت کشورهای عربی در ائتلاف ضد داعش
سرازیر شدن انواع سلاح در خاورمیانه	افزایش خرید سلاح از سوی کشورهای عربی از جمله حاشیه جنوبی خلیج فارس و افزایش فروش سلاح از سوی کشورهای اصلی صادرکننده آمریکا، روسیه، آلمان، چین	تغییر موازنه قوا در مناطقی نظیر شرق مدیترانه و اقدام آمریکا برای تسلیح بیشتر گروه‌های معارض سوریه به ویژه در ادلب در آوریل ۲۰۱۸
افزایش رقابت قطب‌های قدرت منطقه‌ای	تلاش دو قطب قدرت در منطقه (ایران، عراق و سوریه) و (عربستان، ترکیه و اسرائیل) برای سوق دادن موازنه قدرت به نفع خویش	سیاست حمایتی عربستان، ترکیه و اسرائیل از گروه‌های تروریستی و معارضان سوری در مقابل افزایش سیاست‌های ضد تروریستی در راهبرد دفاعی ایران و روسیه
افزایش تعداد اعضای خارجی (غیربومی) گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه	گسیل شدن افراط‌گرایان از مرزهای روسیه، چین، آسیای مرکزی، کشورهای اروپایی، کانادا و استرالیا برای عضویت در داعش و جبهه‌النصره	افزایش سطح تهدید در کشورهای مبدأ مانند روسیه، فرانسه و انگلیس
افزایش میزان حمله‌های تروریستی در اروپا و آفریقا	افزایش سطح تهدیدها به بالاترین حد در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۴، افزایش حمله‌ها به مراکزهای فرهنگی و سیاسی در فرانسه و انگلیس، گسترش افکار جهادی در اروپا و آفریقا، افزایش توان گروه تروریستی بوکو حرام در شمال و ساحل غربی آفریقا، افزایش هسته‌های تروریستی و گرگ‌های تنها در سوئد، آلمان و دانمارک	تشدید سیاست‌های ضد مهاجرتی، افزایش دستگیری افراد به ظن عضویت در گروه‌های تروریستی، قدرت‌گیری گروه‌های راست افراطی در اروپا

کتابنامه

۱. اختیاری امیری، ر.، رفیع، ح.، و عارفی، ع. (۱۳۹۷). مهاجران خاورمیانه‌ای و امنیت اروپا. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۱ (۴۲)، ۷۳-۱۰۱.
۲. امیری مقدم، ا.، زارعی، س.، عقیلی، س.، و رفیعی، م. (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل ظهور داعش در عراق و سقوط موصل از منظر غافل‌گیری نظامی امنیتی. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۹ (۸۶)، ۷۸-۵۳.
۳. ایزدی، پ. (۱۳۹۳). جهادیون افراطی و امنیت اروپا. فصلنامه روابط خارجی، ۶ (۴)، ۱۵۷-۱۸۵.
۴. برزگر، ک.، قوام، ع.، ذاکریان، م.، و موسوی، س. (۱۳۹۷). تحولات اخیر جهان عرب، موازنه قوا و گروه‌بندی‌های منطقه‌ای جدید در خاورمیانه. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۴ (۳)، ۱۲۸-۱۴۲.
۵. دوئرتی، ج.، و فالتزگراف، ر. (۱۳۹۰). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل (ع. ر. طیب، و. و. بزرگی، مترجمان). تهران: نشر قومس.
۶. دهقانی فیروزآبادی، ج. (۱۳۹۶). اصول و مبانی روابط بین‌الملل ۱، تهران: نشر سمت.
۷. رضایی، ر.، و موسوی، ص. (۱۳۹۶). ظهور داعش و تاثیر آن بر معادلات منطقه‌ای: مطالعه موردی چالش‌ها و فرصت‌های به وجود آمده برای ایران. دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۱۱ (۱۱)، ۱۴۹-۱۷۴.
۸. سیمبر، ر.، و مرادی کلارده، س. (۱۳۹۴). تحلیل عوامل درونی گسترش جریان‌های افراطی در خاورمیانه: مطالعه موردی عراق. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۹ (۲)، ۵۳-۸۰.
۹. شریعتی، ش.، و کیلی، ب. و قربانی شیخ‌نشین، ا. (۱۳۹۹). نشانگان پیدایش موج پنجم تروریسم بین‌المللی در غرب آسیا. فصلنامه امنیت ملی، ۱۰ (۳۸)، ۷-۳۴.
۱۰. عبدالله‌خانی، ع. (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت. تهران: نشر ابرار معاصر تهران.
۱۱. علیزاده، م.، و رحمانی، ا. (۱۳۹۷). ظرفیت‌های جامعه بین‌المللی برای رویارویی با گروه تروریستی داعش (چالش‌ها و امیدها). فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۸ (۴)، ۷۶۳-۷۴۷.
۱۲. فروزان، ی.، و عالیشاهی، ع. (۱۳۹۸). جریان‌شناسی بی‌ثباتی سیاسی در عراق بر اساس نظریه دیوید ایستون: از پساصدام تا پساداعش. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۰ (۳)، ۹۴-۱۱۳.
۱۳. قاسمی، ف.، و پورجم، ب. (۱۳۹۴). مسابقه تسلیحاتی، ثبات راهبردی و نظم منطقه‌ای خاورمیانه. فصلنامه سیاست دفاعی، ۲۶ (۹)، ۷۹-۱۰۸.
۱۴. قاسمیان، ر.، سیمبر، ر.، و جانسیز، ا. (۱۳۹۷). بحران سوریه و جنگ سرد جدید. فصلنامه پژوهش‌های

- سیاسی جهان اسلام، ۱(۱)، ۱۵۹-۱۹۵.
۱۵. قیصری، ن. (۱۳۹۳). مکاتب امنیتی؛ نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرشی نوین. فصلنامه آفاق امنیت، ۷(۲۲)، ۲۷-۵۵.
۱۶. کریمی، غ. (۱۳۸۹). ارزش‌ها و تهدیدات در گذار از امنیت بین‌المللی به امنیت جهانی. فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۰(۴)، ۱۹۷-۲۱۵.
۱۷. مبینی، ز. و طالعی، ر. (۱۴۰۰). کودکان داعش و امنیت بین‌الملل. فصلنامه امنیت ملی، ۱۱(۳۹)، ۴۳۱-۴۶۶.
۱۸. محمودی، ه. (۱۳۹۵). داعش و مسئله تشکیل دولت مطابق با نظم و استقبالیایی. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۹(۷۵)، ۱۷۵-۲۰۰.
۱۹. مشیرزاده، ح. (۱۳۸۶). چرخش در سیاست خارجی ایالات متحده و حمله به عراق: زمینه‌های گفتمانی داخلی. فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۷(۲)، ۱۹۰-۱۵۳.
۲۰. نجات، ع. (۱۳۹۴). کالبدشکافی داعش ماهیت، ساختار تشکیلاتی و راهبردها و پیامدها. تهران: نشر ابرار معاصر تهران.
۲۱. نجات، ع. (۱۳۹۶). بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای. تهران: نشر ابرار معاصر تهران.
۲۲. ونت، ا. (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل (ح. مشیرزاده، مترجم). تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

23. Al-Hajj, T. (2022). *The insurgency of ISIS in Syria*. Retrieved from <https://carnegieendowment.org/sada/86643>
24. Ben-Edet, E. (2022). *Terrorism: A case study of the global security threat of Boko Haram and The ISIS Alliance in Nigeria*. Texas Southern: Texas Southern University.
25. Benmelech, E., & Klor, E. F. (2016). *What Explains the Flow of Foreign Fighters to ISIS?* Retrieved from <https://www.nber.org/papers/w22190>
26. Botobekov, U. (2023). *How ISIS and al-Qaeda Exploit the Earthquake in Turkey to Mobilize Support, Border security Expo, May 10 – 11*. Retrieved from <https://www.hstoday.us/featured/how-isis-and-al-qaeda-exploit-the-earthquake-in-turkey-to-mobilize-support>
27. Centre for International Security and Cooperation. (2021). *Hayat tahrir al – sham*. Retrieved from <https://cisac.fsi.stanford.edu/mappingmilitants/profiles/hayat-tahrir-al-sham>
28. Cohen, A. (2013). *Russian missiles to Syria endanger U.S. foreign policy goals*. Retrieved from <https://www.heritage.org/middle-east/report/russian-missiles->

- syria-endanger-us-foreign-policy-goals
29. Cordesman, A. (2020). *The real world capabilities of ISIS: The threat continues*. Centre for Strategic & International Studies.
 30. Counter Extremism Project. (2022). *Iraq: Extremism and Terrorism*. Retrieved from <https://www.counterextremism.com/countries/iraq-extremism-and-terrorism>
 31. Crisis Group. (2019). *ISIS attacks turkey and corresponding court cases*. Retrieved from <https://www.crisisgroup.org/timeline-isis-attacks-turkey-and-corresponding-court-cases>
 32. European Council of the European Union. (2022). *Terrorism in the EU: Facts and figures*. Retrieved from <https://www.consilium.europa.eu/en/infographics/terrorism-eu-facts-figures/>
 33. Fusco, P., & Debinski, G. (2019). *Graphic truth: Where are ISIS' foreign fighters from?* Retrieved from <https://www.gzeromedia.com/graphic-truth-where-are-isis-foreign-fighters-from>
 34. Iraq Body Count. (2012). *Iraqi death from violence 2003-2011*. Retrieved from <https://www.iraqbodycount.org/analysis/numbers/2011/>
 35. Katzman, K. (2019). Iraq and Al-Qaeda. *Congressional Research Service*. Retrieved from www.crs.gov
 36. Legro, J. W., & Moravcsik, A. (1999). Is anybody still a realist? *International Security*, 24(2), 5-55.
 37. National Bureau of Economic Research. (2016). *Where Are ISIS's foreign fighters coming from?* Retrieved from <https://www.nber.org/digest/jun16/where-are-isis-foreign-fighters-coming>
 38. O'Donnell, L. (2022). *Terrorism is making a comeback, and Africa is the hot spot*. Retrieved from <https://foreignpolicy.com/2022/05/06/terrorism-africa-hotspot-isis-boko-haram/>
 39. Ozgercin, K. (2004). *Collective security and the United Nations, the work of the high – level panel on threats, challenges and change, fredrich Ebert Stiftung*. Retrieved from <https://library.fes.de/pdf-files/iez/global/50102.pdf>
 40. Phillips, D. (2014). *ISIS–Turkey*. Retrieved from https://www.huffpost.com/entry/research-paper-isis-turke_b_6128950
 41. SIPRI. (2018). *Trends in international arms transfers 2017*. Retrieved from <https://reliefweb.int/report/world/trends-international-arms-transfers-2017>
 42. Speckhard, A., & Ellenberg, M. D. (2020). ISIS in their own words: recruitment history, motivations for joining, travel, experiences in ISIS, and disillusionment over time – Analysis of 220 in-depth interviews of ISIS returnees, defectors and prisoners. *Journal of Strategic Security*, 13(1), 82–127
 43. Statista. (2021). *Number of terrorist attacks in African countries between 2007 and 2019*. Retrieved from <https://www.statista.com/statistics/1197878/number-of-attacks-from-terrorism-in-africa-by-country/>
 44. Statista. (2024). *Number of fatalities due to terrorist attacks in the European Union from 2010 to 2021*. Retrieved from <https://www.statista.com/statistics/1178596/number-of-fatalities-from-terrorism-eu/>

45. Szparaga, A. (2014). The effect of the Syrian crisis on Jordanian internal security. *Independent Study Project (ISP) Collection*. 1929. Retrieved from https://digitalcollections.sit.edu/isp_collection/1929

